

## مبارزات و اعتصابات کارگری اروپا را فرا می گیرد! کارگران اروپا نیز به سازمان مبارزه طبقاتی نیاردارند

۲۰۱۰-۹-۲۷

در روز ۲۹ سپتامبر اتحادیه های کارگری اروپا با تجمع در بریسل مرکز اتحادیه نه به ریاضت اقتصادی می دهند. این سیاست را بعنوان یک سیاست ضد کارگری که از طرف دولت ها و به فرمان صاحبان ابزار تولید و توزیع است، محکوم می کنند. بر طبق اطلاعیه کفنداسیون جهانی کارگران خوارو بار، رستوران، هتل و کشاورزی تا کنون ۵۰ اتحادیه از ۳۰ کشور به این فراخوان که از سوی اتحادیه کارگری اروپائی داده شده است، آری گفته اند.

همچنین بر طبق این گزارش غیر از اعتصاب سراسری که در اسپانیا بوسیله جنبش اتحادیه ای آن کشور اعلام شده است، در کشورهای پرتغال، ایتالیا، لیتوانی، چک، قبرس، صبرستان، رومانی، لهستان، ایرلند و فرانسه برای پشتیبانی از چنین مبارزه ای تظاهرات و اعتصاب در روز ۲۹ سپتامبر برنامه ریزی شده است. کلن به نظر می رسد که روز ۲۹ سپتامبر روز تیر و تاری برای سرمایه اروپائی خواهد بود.

شعار های این تظاهرات و اعتصابات عبارت خواهند بود: عدالت اجتماعی از مزرعه تا چنگال، جنگ بر علیه نا امنی محیط کار یا نبرد بر علیه کار مخاطره آمیز خواهد بود.

## کارگران با اعتصاب و مبارزه جواب می دهند!

### "بدترین حمله به حقوق کار در طول ۳۰ سال"

اتحادیه های اسپانیا خود را برای اعتصاب عمومی تجهیز و آماده می کنند.

تاریخ خیر ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۰



در حالی که اتحادیه اروپائی کارگران خود را برای یک روز داغ مبارزاتی بر علیه سیاست ریاضت اقتصادی در روز ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۰ (در بریسل مقر اتحادیه اروپا) آماده می کند، سازمان مرکزی کارگران اسپانیا (CC.OO) و اتحادیه (UGT) در همان روز اعلام اعتصاب عمومی نموده اند. اتحادیه های اسپانیا باید خود را برای جنگیدن و دفاع در مقابل حمله سرمایه و دولت اش از دو جبهه آماده کنند.

اولین جبهه اینکه بانکها، بورس بازان و دلالان و در رأس همه آنها صندوق بین المللی خواستار اقدامات وسیع اعتباری برای اوراق قرضه خویش هستند. بر این اساس و برای راضی نمودن سرمایه داران در ماه مه دولت باصطلاح حزب سوسیالیست خود را مجبور به پس انداز ۱۵ میلیارد یورو با کسر نمودن مبلغ بزرگی از مخارج عمومی و سرمایه گذاری های مورد نیاز و همچنین ۵ درصد کسری حقوق برای کارکنان بخش عمومی دید. دومین حمله رفورمی و اصلاحیه ای بود در امور مربوط به بازار کار که در ماه یولی از طرف دولت پیشنهاد شد و در ۹ سپتامبر ۲۰۱۰ در پارلمان به تصویب رسید که برای کارفرمایان و صاحبان ابزار تولید شرایط اخراج کارکنان و کارگران را ساده تر می نماید.

در اولین مصاحبه هائی که با اعضای (IUL) در باره اعتصاب سازمان داده شده انجام گرفته، مصاحبه با خاویار گونزالس منشی اتحادیه کارگران و کارکنان بازرگانی و تجارت، هتل و توریسم اسپانیا می باشد که در زیر ترجمه آنرا می خوانید.

**همکار گونزالس می گوید:** نه فقط دولت اسپانیا بلکه اتحادیه اروپا، جی ۲۰، شرکت های غول پیکر اقتصادی و صندوق بین المللی پول می گویند که زمان مشوق ها گذشت. آنها می گویند که باید دولت ها برای سر و سامان دادن به اقتصاد بحران زده جعبه های پس انداز و کسر نمودن بودجه را پیشنهاد و اجراء کنند. این اعتصاب سازمان داده شده یک جواب روشن نه! به این خط مشی است.

چرا فکر می کنید که اقدامات صرفه جویانه راه حل مشکلات نیست؟ شما چه اقداماتی را برای ایجاد مشاغل، سرمایه گذاری های واقعی و یک بخش قوی عمومی پیشنهاد می کنید؟

**خاوریار:** CCOO سازمان مرکزی کارکنان و کارگران اسپانیا رفورمی را در سیستم اقتصادی حاضر پیشنهاد می کند که باعث کنترل مطمئن بر قرض های بی حد و حساب به خانوادهها و شرکت ها می گردد. یک صنایع؛ انرژی- و سیاست آموزشی که ما را از یک سیستم تولیدی که هسته آن بر ساختمان سازی بی پایه و اساس (کفی) قرار دارد، دور می کند و همچنین یک سیستم مالیاتی که به تقلب مالیاتی پایان می دهد.



البته ما اتحادیه های کارگری هستیم و مایلیم که به یک توافق سراسری در سطح ملی برسیم که کشور به بهترین وجه ممکن از بحران بیرون بیاید. اقدامات دشمنانه دولت نسبت به ما از طرف کارفرمایان مورد تشویق قرار گرفته و برایش دست زده می شود و این اقدامات تا حدی بود که کاسه صبر سازمان مرکزی کارگران و کارکنان و اتحادیه UGT را لبریز نمود که به آنها دیگر اجازه سکوت کردن را نمی داد. ما آلترناتیو دیگری برای کاستن از کسری بودجه پیشنهاد می دهیم. آلترناتیو ما بالا رفتن حقوق ها و سیاستی که اقتصاد تیره و تار را به اقتصاد سالم و سفید تبدیل می کند. مامی خواهیم همچنین سیستم قراردادهای جمعی را بوسیله قوی کردن آن اصلاح کرده، مراقب سیستم عمومی بازنشستگی باشیم. همچنین پیشنهاد ما غلبه کردن بر سوء استفاده بر استخدام های کوتاه مدت و موقت را در بر دارد.

در پایان، سازمان سراسری کارگران به افزایش سن بازنشستگی به ۶۷ سال نه! می گوید، زیرا که آن را اقدامی بی فایده و مضر می داند. ما در عوض برای سیستمی که شرایط دواطلبانه و قابل انعطاف بازنشستگی موجود را قوی می کند، آماده ایم.

چطور شما می توانید پشتیبانی از اعتصاب را نه فقط در نزد اعضای خود، بلکه در یک جبهه گسترده و عمومی به وجود آورید؟

**خاویار گونزالس:** اعتصاب عمومی که برای تاریخ ۲۹ سپتامبر فراخوان داده شده است جوابی است به بدترین حمله به حقوق کار و کارگری در ۳۰ ساله اخیر. غمگینانه و شوربختانه این است که یک دولت سوسیالیست (۱) مجری این حمله و یورش است. دولتی که از طرف کارفرمایان و صاحبان ابزار تولید پشتیبانی می شود.

ما در سازمان سراسری بر این باوریم که کارگران و حقوق بگیران در ۲۹ سپتامبر یک نه بزرگ و قابل توجه به اصلاحات بازارکار می دهند.

ما در حال تبلیغ در محل های کار و برای عموم در باره دلایل اتحادیه برای اعتصاب و اینکه ما چه آلترناتیوی داریم، هستیم. UGT و CC.OO به همه جنبش های مردمی، اجتماعی- و سازمانهای فرهنگی و سمپات های چاپ اعلام و هشدار داده و می دهد که برای دفاع از حقوق کارگران و سایر کارکنان به طور فعال و اکتیو از اعتصاب ۲۹ سپتامبر پشتیبانی کرده و آنرا تبلیغ نمایند و با تمام نیرو در آن شرکت کنند.



## بعد از ۲۹ سپتامبر چه اقداماتی در دست اجرا دارید؟

منشی اتحادیه کارگران خواربار و کشاورزی: بیشتر از هر زمان دیگری ما باید برای پس گرفتن حقوقی که دولت کنونی از ما گرفته است، مبارزه و نبرد کنیم. این برای ما مهم است که فراموش نه کنیم که حقوق کارگران و مزد بگیران بر درگاه و محراب اتحادیه اروپا و دلایل واهی بازار اقتصاد قربانی می گردد. ما باید بر علیه افراد و گروه هایی که دلیل و بانی بحران اقتصادی موجود هستند، نبرد کنیم. اتحادیه های اروپائی و بین المللی باید متحدانه و با همبستگی و یاری یکدیگر آلترناتیوی را بی آفرینند که قادر به ایجاد یک دولت رفاه جهانی هست. جهانی مرفه و مطمئن برای همه.

من مایلم، به نیابت از FECOHT-CC.OO از جنبش اتحادیه ای اروپا برای این همه پیام های پشتیبانی و همبستگی که ما گرفتیم، تشکر و قدردانی نمایم.

زنده باد همبستگی کارگری

برگردان به فارسی

حمید قربانی

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۰

توضیح مترجم

(۱) اکنون این نوع دولت ها و احزاب فقط اسمی از سوسیالیسم را آن هم بیشتر از آنکه بخواهند عملی به نفع کارگران انجام دهند، برای بد نام نمودن، سوسیالیسم که در نزد مارکس جز حرکت کارگران برای لغو شرایط اجتماعی نیست ( مارکس نقد ایدئولوژی آلمانی)، یدک می کشند. این در شرایط در نبود یک حزب ( مارکسی لنینی) یعنی سوسیالیسم کارگری که خواهان تمام قدرت به شوراهای کارگری

باشد، انجام می گیرد. آری در نبود حزب انقلاب پرولتاریا، این نوع احزاب دیگر غیر از آنکه تعدادی هر چند این تعداد متأسفانه و شوربختانه در برخی از کشورها می تواند میلیونها کارگر باشد، در خود جمع کرده اند، هیچ بوئی از یک حزب سوسیالیستی کارگران ندارند. اگر هنوز میلیونها کارگر و انسانهای ندار و فقیر که در حال حاضر زیر پای سرمایه له می شوند، در این احزاب جمع شده اند، نه فقط از سر توهم به برنامه و استراتژی این احزاب بلکه از نبود یک حزب واقعی کارگری است. گرنه این احزاب خود به یکی از بازوهای قوی و مستحکمی برای به اجرا در آوردن دستورات سرمایه جهانی تبدیل شده اند. بازوی دیگر اجرائی این دستورات که از ۱۹۷۰ با پیروزی تاچر در انتخابات انگلیس و در سال ۱۹۷۲ ریگان در آمریکا خود را در سیاست های نئولیبرال نشان داده است، سازمانهای جهانی سرمایه ی امپریالیستی مانند سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول و غیره در سطح جهان هستند که سیاست سرمایه را زیر نظر سازمان ملل متحد و با یاری سازمان جهانی کار (ILO) و البته با پشتیبانی نیروئی هوائی آمریکا و متحدین و دیگرانی چون روسیه و غیره برنامه ریزی و پیاده می کنند. سالانه میلیونها انسان تولیدگر از فقر تحمیل شده در کشورهای موسوم به جهان سوم از کمبود تغذیه و دارو جان می دهند و از این زیادتیر و بویژه کودکان و زنان جوان طعمه سود اندوزی دلان سکس و صنایع پرنو می شوند. حال از این نمی گوئیم که چند برابر در کارخانه و معادن و مزارع از ناامنی محیط و سختی کار جان می بازند و شاید تعداد بیشتری در جنگ های امپریالیستی موجود به قتل می رسند و در زندانها مورد شکنجه و تجاوز قرار گرفته ، می پوسند و یا اعدام می شوند

نمونه های زیادی از این احزاب وجود دارند که قدرت را در دست دارند و به نفع سرمایه کارگران را مورد بدترین استثمار و شکنجه قرار می دهند. از آن جمله می توان به حزب کارگر برزیل به رهبری رئیس جمهوری سیلوا، حزب سوسیالیست یونان ، حزب سوسیالیست اسپانیا و حزب کارگر جدید تونی بلر که تا چندی پیش در قدرت و مجری تمام دستورات سرمایه جهانی، بویژه در انگلیس در جهت پیدا کردن نئولیبرالیسم اقتصادی یعنی خصوصی کردن تمام اموال عمومی بود. این نوکری بلر به قدری بود که زمانی که از تاچر بانوی آهنین سرمایه، در باره بزرگترین موفقیت سیاسی اش پرسیده می شود، این گرگ ماده با دو کلمه جواب می دهد: "حزب کارگر جدید". تونی بلر این قدر چون توله سگی در زمان جنگ های امپریالیستی آمریکا و متحدان اش بر علیه مردم افغانستان و عراق که هم اکنون جریان دارند و روزی نیست که دهها نفر را به قتل نرسانند، دم تکام داد و چکمه لیسید که از طرف روزنامه نگار مشهوری چون جان پیلجر به حق و به لقب "توله سگ روی زانوی بوش" مفتخر شد.

کارگران اما برای به سرانجام رساندن انقلابشان برای نابودی روابط استثمارگرانه سرمایه داری و نابودی مالکیت خصوصی یک عده مفتخور بر ابزار تولید نعم مادی واشتراکی نمودن آنها، حتمن به حزب شان، حزبی که از نظر نیروی مادی

تشکیل دهنده اش اساسن و اساسن کارگران هستند، نیاز مندند، چنین حزبی استراتژی اش را بر اساس پیشبرد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر بر علیه طبقه سرمایه دار و دولت هایش و برای نابودی روابط اجتماعی سرمایه دارانه قرار می دهد. موانع این مبارزه را روشن می کند و نیرو کارگران را برای برداشتن موانع موجود در هر لحظه از مبارزه بسیج و سازمان می دهد. این مبارزه سرانجام می بایست به در هم شکستن دستگاه دولتی سرمایه و ایجاد دولت پرولتاریا (دیکتاتوری پرولتاریا) که دولت اکثریت ساکنین جامعه است، ختم گردد. این دولت پرولتری وظیفه اش پیشبرد مبارزه طبقاتی کارگران تا نابودی طبقات که دولت زائیده تضاد آشتی ناپذیر این طبقات می باشد، است. سازمان چنین دولتی که ذه زبان دیگر نیروی سازمان یافته کارگران اساسن است، باید بر اساسی باشد که خویش اضمحلال یابنده و به خواب رونده است. این دولت دولتی شورائی است که تمام مقامات آن انتخابی بوده و قابل ازل هر گاه انتخاب کنندگان اراده کنند و حقوق و مزایشان نیز به قدر دستمزد و مزایای یک کارگر می باشد. احزاب موجود در جهان، امروزه غمگینانه باید گفت، غیر از نام چه کمونیست و چه سوسیالیست (سوسیال دموکرات) هیچ نقطه اشتراکی با چنین حزبی یعنی حزب سوسیالیست کارگران ندارند.